

# نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه‌ها

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسين مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۳ اسفند ماه ۱۳۹۶

عنوان: حفاظت منظر: منظر فرهنگی و میراث کشاورزی

سخنرانان و اعضای پنل: خانم دکتر پرستو عشرتی و مهندس آرمین پرهیزی راد

## چکیده‌ای از سخنرانی‌ها:

### سخنران اول: خانم دکتر پرستو عشرتی

منظر فرهنگی و میراث کشاورزی، ساختار بازخوانی تحلیلی متون منظر فرهنگی: در این رساله به مقوله‌ی بازشناخت مفهوم منظر فرهنگی از طریق تحلیل متون مرتبط به این مفهوم می‌پردازد. در ابتدا منظر فرهنگی به عنوان مقوله‌ای بین رشته‌ای با تأکید بر علوم محیطی و تأکید ویژه بر رشته‌ی معماری معرفی می‌گردد، از این رو که این رساله در دانشکده‌ی معماری انجام یافته است. رساله‌های دکتری مرتبط با منظر فرهنگی تحلیل و از دل آنها، حوزه‌های پژوهش در زمینه‌ی فرهنگی شناسایی گردیده است و با توجه به ضرورت و اهمیت حوزه‌ی شناخت، محوریت رساله، بر حوزه شناخت قرار گرفته است.

دو روش اصلی برای شناخت در این رساله گمانه‌زنی می‌شود، شناخت از دیدگاه واژه‌شناسی و شناخت از دیدگاه تعاریف. روش اول به دلیل گستردگی مفهوم فرهنگ و طبیعت و کالچر و نیچر باز می‌ماند و بنای رساله به شناخت از دیدگاه تعاریف مفهوم منظر فرهنگی نهاده می‌شود؛ تعاریف صاحب‌نظران و سازمان‌ها مورد ملاحظه قرار می‌گیرد و با نظر به اهمیت سازمان‌ها در حفاظت منظرهای فرهنگی، نقطه‌ی تمرکز شناخت را بر سازمان‌ها می‌گذارد.

برای نزدیک شدن به تحلیلی منطقی، رویکردهای سازمان‌های متولی منظر فرهنگی به دو رویکرد سایت محور رویکرد سنتی و کل منظر رویکرد جدید تقسیم می‌گردد. برای گشایش ابعاد رویکرد نخست، دو سازمان مرکز میراث جهانی یونسکو و بنگاه پارک ملی ایالت متحده بررسی می‌گردد و برای رویکرد دوم دو سازمان میراث انگلیس و انجمن اروپا. به این ترتیب دو پایگاه نظری درباره‌ی منظرهای فرهنگی شناسایی، استخراج و معرفی می‌گردد در ادامه ضرورت توجه به جنبه‌های ذهنی در بازشناخت منظرهای فرهنگی به عنوان زیربنای گروهی از نقدهایی که در فصل سه به آنها پرداخته می‌شود، طرح و تحلیل می‌گردد. در یک جمع‌بندی اجمالی، اطلاعات به دست آمده از این فصل زیربنای نظری مقبولی برای نقد مفهوم منظر فرهنگی در فصل سه فراهم می‌آورد.

نسبت دو دایره فرهنگ و طبیعت دیدگاه کل نگر ساکنان بومی طبیعت و فرهنگ است. دید ساکنان اولیه از جهان دیدی کل نگر بوده است که در آن فلسفه نظام گیتی، جغرافیا، زیست، فرهنگ و معنویت صمیمانه در هم تنیده بودند. دیدگاه کل نگر ساکنان بومی دیدگاه جزء نگر و دانش غربی است. که به دو دسته طبیعت و انسان می‌باشد. انسان موجودی است طبیعی که از راه فرهنگ بر طبیعت چیره گشته و گام به گام تکامل فرهنگی را پشت سر گذاشت و از وحشیت به جامعه مدرن عقلانی رسید.

تعریف فلسفه به آن شناختی از اکوسیستم اطلاق می‌گردد که بر پایه‌ی آستانه‌ی درک ذهنی یعنی تفکر، تخیل، تصور و تجسم استوار است لذا به دلیل تکیه بر ذهن بشر خطاپذیر است چرا که ذهن بشر در تفکر، تخیل، تصور و تجسم می‌تواند دچار خطا شود و نقصان نیز به دلیل محدود بودن تجسم نادیده‌ها بر این شناخت به ناچار حاکم خواهد بود؛ همان‌گونه که دانش جاری است. ضرورت فلسفه سرباز زدن از ارائه‌ی یک تعریف

برای فلسفه هر چند ابتدایی و ساده ناممکن می‌نماید چرا که فلسفه یکی از روش‌های به دست آوردن شناخت نسبت به اکوسیستم است که خود مقدمه‌ی شکل‌گیری فرهنگ است و از اهمیت فرهنگ در توسعه‌ی مدلی برای بازشناخت منظرهای فرهنگی نیاز به سخنرانی نمی‌نماید.

**منظر فرهنگی مولود دیدگاه کل نگر:** منظر فرهنگی از یک منظر طبیعی به وسیله یک گروه فرهنگی شکل یافته است. فرهنگ عامل ناحیه طبیعی واسطه و منظر فرهنگی نتیجه است. اکوسیستم در برهه‌ای از تاریخ بشر بر مبنای دید جزءنگر غربی که در آن زمان پرچم‌دار علم بود اتفاق افتاد و بشر شروع به دیدن هر بخش اکوسیستم از دریچه‌ی یک علم کرد. این نگاه در پی خود درک جامع از پدیده‌ها را مخدوش کرد. چرا که اکوسیستم در ذات خود تفکیک ناپذیر است و انسان نیز جزئی از این اکوسیستم است. طبق تعریف اکوسیستم مشارکت اجتماعی از موجودات زنده در محیط‌های غیر زنده‌ی آنهاست و انسان نیز یکی از آن دسته موجودات زنده است. آشکار شدن ضعف نگاه جزءنگر و تلاش برای دست یافتن به نگاهی کل نگر بوده است که به پدید آمدن علوم بین رشته‌ای انجامیده است. مثالی برای نشان بین رشته‌ای بودن مفهوم منظر فرهنگی تعامل نمادین به دو دسته تقسیم می‌شود دوره‌های مختلف رشد زنان و مراحل شکل‌گیری واحد.

مدل موی زنان در قبیله هیما آفریقا: زن ازدواج کرده موی بلند با دسته‌های پر پشت جمع شونده کنار هم، آستانه ازدواج تراشیده با خطاها و دسته‌هایی تقسیم مو با خط مرکزی به دسته‌هایی، بلوغ نوار باریک تراشیده و مو در وسط، مویی در وسط، سر بی مو.



دسته‌بندی مفهومی تعاریف منظر فرهنگی صاحب نظران، دسته‌بندی منظر فرهنگی در مرکز میراث جهانی یونسکو: دسته نخست که راحت‌تر از بقیه قابل شناسایی هستند، منظرهای آشکارا تعریف شده هستند که از روی قصد توسط بشر طراحی و ساخته شده است. این دسته شامل باغ و درختستان و منظرهای مصنوعی هستند که به دلایل زیبایی‌شناختی طراحی شده‌اند و اغلب اما نه همیشه با ساختمان‌ها و مجموعه‌های مذهبی یا یادمانی در ارتباط هستند. دسته دوم منظر به صورت ارگانیک تکامل یافته است. این منظرها از الزام اجتماعی، اقتصادی، اداری و یا مذهبی منتج شده است و شکل کنونی آن به وسیله‌ی پیوستگی با محیط طبیعی‌اش و در پاسخ به آن تکامل یافته است. چنین منظرهایی فرآیند تکاملشان را در شکل و خصایص ترکیب‌دهنده‌شان منعکس می‌کنند.

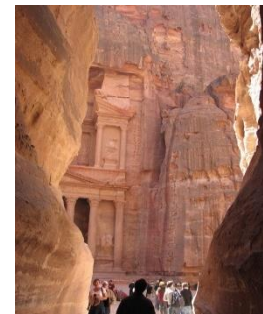
این منظرها به چند دسته و یا گروه قابل تقسیم هستند، **منظر باقیمانده از گذشته** (یا فسیل شده) منظر است که در آن فرآیند تکاملی در زمانی در گذشته به طور ناگهانی و یا در طی یک دوره به پایان رسیده است. با این حال خصایص برجسته‌ی تمایزدهنده‌شان هنوز در شکل مادی‌شان قابل مشاهده است. **منظر تداوم‌دار** منظر است که نقش اجتماعی خود را در جامعه‌ی معاصر حفظ کرده است و بطور تنگاتنگ با روش زیست سنتی پیوسته است و در آن فرآیند تکامل همچنان جاری است و بطور همزمان شواهد مادی برجسته‌ای از تکاملشان در طول زمان را به نمایش می‌گذارد. دسته آخر **منظر فرهنگی تداعی‌گر** است، این دسته در بردارنده‌ی آن‌گونه منظرهایی در فهرست میراث جهانی است که بنا به دلایل برتری مذهبی قوی، تداعی‌های هنری یا فرهنگی عنصری طبیعی بیش از شاهد فرهنگی مادی که ممکن است غیر برجسته یا حتی غایب باشد، قابل توجیه هستند.

**پترا؛** کالبد تمدنی که نابود شد روش‌های چگالش آب که در کتاب مقدس نیز ذکر شده است این روش امروزه نیز برای زراعت در کویر النقب در فلسطین اشغالی استفاده می‌شود. باغ‌های تاریخی، آبشارها و نیلوفران آبی فراتر از زیبایی‌شناسی، خرد اقلیمی را فراهم می‌آورند که با کاهش

سرعت باد توسط گیاهان از سایش سنگ‌ها توسط سیلیکون و ماسه‌ای که باد با خود حمل می‌کند، ممانعت به عمل می‌آورد است. این یک پروژه جامع است که اهداف بسیاری را از طریق بازیابی باستان‌شناختی یک خرد اکوسیستم دنبال می‌کند تا اینکه سیستم‌های زراعت و تولید آب دوباره پدیدار شوند.

تجربه نشان می‌دهد که بازشناسایی تکنیک‌های باستانی برای توقف تخریب سنگ‌ها لازم است. در تحقق این طرح از ساکنین محلی درخواست خواهد شد که هم اجتماعی و هم اقتصادی در مدیریت زمین‌های کشت شده و استفاده از منابع آب مشارکت داشته باشند. ناحیه جدیدی در پترا که گردشگران آن را به ندرت دیده‌اند، برای گردشگری آزاد خواهد شد. این یک پروژه کاملاً مردمی است که هم جذاب است و هم از فرهنگ به عنوان ابزاری برای حفاظت از محیط استفاده می‌کند و در عین حال تولید و اقتصاد را ارتقا می‌دهد.

تنگه کویری عجایب هفت گانه جدید جهان - فرآیند زمین‌شناختی پویای فرسایش دیوارهای سنگی ماسه‌ای - شدت یافتن تخریب پس از خالی شدن از سکنه - دانش بومی بهره‌گیری از بارش‌های ناگهانی و شدید برای ساختن باغ و زمین‌های زراعی - دانش بومی چگالش آب - وضعیت امروز: متروک و در شن مدفون - وضعیت تاریخی شهر کانال‌ها، آبگیرها، چشمه‌ها، و باغ‌ها - دانش کاهش سرعت باد، کاهش فرسایش - سیستم آبچک‌ها و کانال‌ها - پروژه نجات پترا بازسازی کل خرد اکوسیستم طبق منطق باستان - بازشناسی تکنیک‌های باستانی احیای سیستم کانال‌ها، برآمدگی تراس‌ها، باغ‌ها، آب انبارها، سیستم نباتی و ... - احیا از طریق مشارکت مردم بومی.



پترا خرد اکوسیستم از میان رفته شهر کانال‌ها، آبگیرها و باغ‌ها منظر فرهنگی تراس‌های برنج فیلیپین اولین منظر فرهنگی ثبتی.

منظر تداوم‌دار با قدمت ۲۰۰۰ سال بطور ارگانیک شکل گرفته است. پیوند با مراسم پرستش خدایان و قربانی. سیستم حفاظت تاریخی بر پایه مفاهیم حقوق اجدادی در مالکیت زمین. سیستم حفاظت جدید یکپارچگی کاشت برنج با اکوتوریسم، گسترش بازارهای جدید برنج و شراب برنج منطقه، و ظرفیت‌سازی در اجتماع محلی.

تعریف عرفان شناخت کیفی زندگی انسان است و از آنجا که دو بعد کمی و کیفی جدایی ناپذیر بوده و هستند، لذا عرفان چه به آن پرداخته شود و چه نه در لحظه لحظه‌ی زندگی بشر جاری است.

ضرورت پرداختن به مباحث کیفی بر روی پله‌ی عقل و با تفکر، تخیل، تصور و تجسم صورت نمی‌پذیرد. لذا در طول تاریخ بشری و درست به قدمت آن بشر به جستجوی روش یا منبعی برای رسیدن به چنین شناختی نسبت به اکوسیستم بوده است که از آستانه‌ی درک ذهنی‌اش بالاتر باشد. ردپای این تلاش و نیز اطلاعاتی که در نتیجه‌ی این تلاش به دست آمده است چنان در منظر فرهنگی جوامع مختلف پر رنگ است که نمی‌توان به اجمال به آن اشاره کرد و از آن گذشت و به مذاقه نیازمند است. چرا که برای مثال بسیاری از اعتقادات، آداب و رسوم، سمبل‌ها، رقص‌ها و آثار ثبت شده در منظر فرهنگی جوامع، چه بدوی و چه پیشرفته، از منبعی نشأت می‌گیرد که پایه‌های علمی و یا فلسفی ندارد. به بیان دیگر برخی روش‌هایی که مردمان بومی زندگی خود را بر پایه‌ی آن استوار می‌دانند، در حال حاضر بر پله‌ی عقل قابل توضیح و تفسیر نیست. تأثیر این نگاه در بسیاری از منظرهای فرهنگی در نقاط مختلف دنیا به راحتی قابل ردیابی است. این امر حتی در حفاظت آن آثار هم تأثیرگذار بوده و هست، شناخت ارزش عامل تأثیرگذار در تعریف ارزش منظر فرهنگی هنر و هنر کهن، هنر و فرهنگ هنر از فرهنگ متأثر و بر آن تأثیرگذار است. هنر از جنس ۴ مؤلفه علم، فلسفه، عرفان و مذهب نیست چرا که مخلوق انسان است.

نگرش فردی هنرمند، نگرش فردی هنرمند در یک اثر آگاهانه یا ناخودآگاهانه متبلور می‌گردد. این نگرش فردی متأثر از علم، فلسفه، عرفان و مذهب هنرمند و طبیعتی که بر بستر آن یا الهام گرفته از آن به خلق دست می‌زند و نیز هنر پیشینیان است که در این جا هنر کهن نام نهاده می‌شود.

**تعریف هنر کهن:** منظور از هنر در اینجا، هنر کهن است و آن به هنری اطلاق می‌گردد که پس از خلق شدن بر مبنای نگرش فردی هنرمند از فیلتر نگرش غالب افراد آن جامعه که هنرمند از دل آن برخاسته است یا برای آنان به خلق دست زده است گذر کرده باشد و جزئی از فرهنگ آن جامعه گردیده باشد. در این صورت خود این هنر از طریق اثر گذاری بر نگرش فردی هنرمندان پسین، بر هنرهایی که پس از آن شکل می‌گیرد نیز مؤثر واقع می‌گردد.

لازم به ذکر است که در هر منظر فرهنگی با توجه به مجاری چهارگانه‌ی شناخت که در شکل‌گیری آن منظر نقش ایفا کرده است، این احتمال وجود دارد که وزن یکی از آن مجاری پر رنگ‌تر گردد؛ مثلاً در منظر فرهنگی اردبیل در مقیاس مجموعه‌ی شیخ صفی اردبیلی وزن عرفان، در منظر فرهنگی شوشتر با توجه به اهمیت سازه‌های آبی شوشتر وزن علم، در منظر فرهنگی تخت سلیمان نقش مذهب و در منظر فرهنگی برخی شهرهای یونان و رم باستان وزن فلسفه بیشتر است. لذا در هر نمونه نیاز به وزن‌دهی به مؤلفه‌های چارچوب پیشنهادی و تدقیق آن وجود دارد.

### **سخنران دوم: آقای مهندس آرمین پرهیزی‌راد**

صحبت ما درباره منظر کشاورزی می‌باشد که موضوع جلسه هم همین است. برای شروع وقتی تعبیر کشاورزی سنتی را می‌شنویم چه چیزی به ذهن ما می‌رسد، مثبت یا منفی هم فرقی نمی‌کند. شاید یک موضوع تأمین مواد غذایی ما باشد، به عبارتی ما را تأمین و تولید می‌کند که البته فناوری درونش بکار نمی‌رود و یا اینکه بسیار ضعیف است. ما در شبکه‌های مجازی هم زیاد می‌شنویم که مثلاً هندوانه آب بسیاری مصرف می‌کند. در واقع کشاورزی سنتی در نزاع با منابع طبیعی و محیط زیست است و این حرفی است که همه مداوم می‌شنویم.

تقریباً چند رویکرد اصلی را نسبت به کشاورزی سنتی داریم. یکی رویکردی است که مهندسان دارند، رویکردی که تکنو تراک‌ها دارند. نگاه مهندسی یا نگاه تکنو تراک، منظور ما نگاه یک‌سونگر است. یعنی یک مسئله مطرح می‌کند و یا یک پرسش مطرح می‌کند و فقط به همان پاسخ می‌دهند. بیشترین ایراد را این گروه از کشاورزی سنتی می‌گیرد. با این تفسیر که بهره‌بری کم است. فناوری درونش وجود ندارد و تولید پایین است. یعنی از سال‌های ۱۹۵۰ کشاورزی در همه جای دنیا از کشاورزی سنتی به کشاورزی تولید و صنعتی تبدیل شد و هدفش این بوده که از هر متر مربع زمین بیشتر محصول برداشت کند. قیمت این پرسه را تا جایی که می‌تواند پایین بیاورد و بازارها را از بازارهای محلی به بازارهای جهانی تبدیل کند که موفق هم شد. به دلیل اینکه مهندسان هرچه را اراده کنند به آن دسترسی پیدا می‌کنند. برخلاف حفاظت‌گرایان و یا بعضی از میراث‌گرایان به خاطر اینکه درگیر آن هستیم ما نمی‌توانیم نظرات خود را ارائه کنیم به دلیل اینکه درگیر نوستالژی هستیم. یکی از دیگر از گروه‌هایی که رایج به کشاورزی سنتی نظری می‌دهند دقیقاً افراد نوستالژی هستند، یعنی درباره علالدین می‌گویند وای چقدر خوب و باحال هر چیزی که قدیمی است خوب است. دلیل منطقی برای آن وجود ندارد و خیلی احساسی است. من کاملاً مخالف این گروه هستیم. به دلیل اینکه اینها اجازه نمی‌دهند که منظر کشاورزی به حیات خودش ادامه دهد.

یک گروه افرادی هستند که درباره تاریخ صحبت می‌کنند درباره انسان‌شناسی به عنوان مثال درباره ایران می‌گویند، فقر تاریخی ما عاملش کشاورزی سنتی است. چون ما اقتصادمان مبتنی است به کشاورزی بوده و کشاورزی‌مان هم سنتی است و نتوانسته توسعه پیدا کند و ما یک کشور فقیر باقی مانده‌ایم. از این دوستان باید پرسید اینکه گناهِش کشاورزی نیست. توسعه که فقط به کشاورزی مربوط نمی‌شود. درست است که بخش مهمی از توسعه مربوط به کشاورزی است. و ارزش افزوده ایجاد می‌کند. مازاد سرمایه ایجاد شود و از آن بخش معیشتی خارج شود و آن سرمایه اضافی چرخ بقیه را بگرداند. اما ما در کشوری زندگی می‌کنیم که کشاورزی‌مان همین است. یعنی ما بیشتر از این از این بخش کشاورزی نمی‌توانیم داشته باشیم. اگر داشته باشیم یعنی آینده خودمان را تباه کرده‌ایم. اتفاقی که در ایران در ۴۰ سال پیش افتاد جهاد کشاورزی و جهاد سازندگی آمد

که به محرومین کمک کند. کشاورزی را توسعه دهد و اجازه چاه‌های عمیق را داد. ابزار و ماشین‌آلات در اختیار مردم قرار داد. و گفت حال زمین‌ها را شخم بزنید و بکارید. ولی وقتی خاک نداریم یک سال کشت می‌کنیم و ۵ سال آبش می‌دهیم و آن زمین تبدیل می‌شود به سُرس خاک. منابع آب‌مان ذره ذره بیشتر از ظرفیت برگشت پذیری استفاده می‌شود. آن وقت زمین به آیش افتاده از آن طرف چاه روی اقلیمی که به سرعت داره تبخیر می‌شود می‌افتد. بنابراین آب به طرق مختلف هدر می‌رود و خاک هم نداریم. عملاً دیدیم کشاورزی عامل توسعه در ایران نشد. هم گروه اول و هم گروه دوم این نگاه را دارند و می‌خواهند در کشاورزی ما به خودکفایی برسیم. درحالی که در ایران ما در کشاورزی نباید به خودکفایی برسیم. چون خودکفایی مساوی است از دست دادن منابعی که دیگر برای ما برگشت‌پذیر نیستند. در حالی که ما غذا را می‌توانیم بخریم. توسعه را از روش‌های دیگر می‌توانیم به دست آوریم. مثلاً ما می‌توانیم توسعه خدمات داشته باشیم. مانند خدمات مهندسی. گروه دیگری که با کشاورزی مخالف هستند و دوست‌داران محیط‌زیست هستند. خوب اینها اگر طرف‌دار محیط‌زیست باشند از اساس با توسعه مخالف هستند. یعنی یک نزاع دائمی بین همه دنیا وجود دارد و شاید حق هم داشته باشند. به خاطر اینکه هر کجا ما یک اکوسیستم انسانی درست کنیم لازم است که در درون یک اکوسیستم طبیعی مداخله کنیم. اما گروه دیگری هم وجود دارند که ما نه اسمش را کشاورزی می‌گذاریم نه کشاورزی صنعتی که ما به آن منظر کشاورزی می‌گوییم. حال چرا منظر کشاورزی گفته می‌شود و چرا به آن کشاورزی نمی‌گوییم؟ با این توضیح که وقتی کشاورزی می‌گوییم تقریباً می‌توانیم اشاره کنیم به همه گروه‌هایی که اشاره شد. همه افرادی که کشاورزی را یک بعدی می‌بینند و فقط به شکل فرایند تولید غذا می‌بینند و ابعاد دیگرش را نمی‌بینند. مفهوم منظر بسیار پیچیده است اول اینکه این لغت ترجمه شده و خود لغت اصلی که Landscape می‌باشد. در طی چند صد سال یک سیر و تحولی داشته است. لغت Landscape که اشاره به بخش‌هایی از سرزمین می‌کند که درونش مجموعه‌ایی از روابط برقرار است. این کلمه بسیار مهم است و اگر بخواهیم یک کلمه انتخاب کنیم برای منظر کلمه روابط است. به عنوان نمونه به روابط اقتصادی اشاره می‌کنیم. روابط اکولوژیک را می‌توان اشاره کرد و روابط اجتماعی و فرهنگی است.

لغت دوم که به نظر من بسیار مهم است. لغت مقیاس است یعنی این روابط در سلسله مراتبی از مقیاس‌ها اتفاق می‌افتد. کشاورزی تولیدی تبدیل بازار شده کل جهان. ما امروز از برزیل گوشت می‌گیریم، از آمریکا برنج وارد می‌کنیم. یعنی بازار اقتصادی جهانی، بنابراین روابط اقتصادی بر روی منظر تأثیر می‌گذارد و روی هم تأثیر می‌گذارند.

بنابراین وقتی قزوین و زنجان از هم جدا می‌شوند یعنی یک اتفاق اداری باز هم بر روی منظر تأثیر گذاشته می‌گذارد. یعنی سلسله مراتبی از مقیاس‌ها درونش وجود دارد و مجموعه بسیار بزرگی از روابط. این را تا حدود زیادی مدیون محیط زیستی‌ها هستیم. برای اینکه آنها هستند با تعریف محیط‌زیست به ما یاد داده‌اند که در اکوسیستم‌ها تعداد بسیار زیادی روابط وجود دارد. هر چند امکان دارد ما آنها را نبینیم. تعریفی که می‌بینیم کنوانسیون منظر اروپا در سال ۲۰۰۰ ارائه داده است. معمولاً افرادی که در حوزه منظر کار می‌کنند این تعریف را به عنوان یکی از مهم‌ترین تعاریف قبول دارند. خود اروپایی‌ها طرح‌های اجرای بر روی همین تعریف استوار شده است. یعنی می‌گویند یک ناحیه جغرافیایی یک ویژگی‌هایی دارد. صفات مشخصه دارد یعنی کاملاً بارز و آشکار است. شما می‌توانید توصیف کنید وقتی با دیدن متوجه می‌شوید که با منظر دیگری فرق می‌کند. مثل عکسی که از کویر گرفته شده و عکسی از شمال کاملاً هر دو عکس برای شما قابل مقایسه است.

این پدیده و آن شکل بیرونی حاصل تعامل روابط و مولفه‌های طبیعی و مولفه‌های فرهنگی است. یعنی یک طرف انسان است و طرف دیگر طبیعت وقتی این دوتا با هم ارتباط دارند و تأثیر می‌گذارند روی هم تبدیل می‌شود به منظر و خود منظر تبدیل می‌شود به یک بستر برای اتفاق‌های بعدی می‌شود. یعنی منظر بستری برای زندگی هم است. شاید مهم‌ترین بخش هم می‌شود گفت قانون است. معتقد هستیم به جزء قانون چیز دیگری وجود ندارد. بهترین نمونه هم باغ‌های تهران است. باغ‌های تهران چرا نابود می‌شوند. شاید یکی از دلایل مسائل اقتصادی باشد. دلیل مهم شاید این باشد که راه‌حلی برای حفظ آن هنوز پیدا نشده است. باغ‌های تهران تخریب می‌شود به دلیل آنکه ارزش گذاری نشده، قدم اول ارزش گذاری و شناخت می‌باشد. یعنی اول پدیده را با تمام ابعادش بشناسیم و ارزش گذاری کنیم و برایش راهکار انتخاب کنیم. هیچ راه کاری برای باغ‌های

ایران نمی‌شود داد. هیچ کس نمی‌تواند راهکاری بدهد شاید به دلیل اینکه باید کسی راهکار دهد. یک سیر علمی و آگاهی کامل داشته باشد. اینجاست که ما می‌گوییم هر جا انسان و طبیعت با هم تعامل دارند با هم اکوسیستم‌های پیچیده را خلق می‌کنند. یعنی با نگاه مهندسی نمی‌شود آنها را شناخت.

منظر فراتر از رشته منظر به عنوان یک مفهوم و به عنوان یک نگاه و یک رویکرد این قابلیت را دارد، که پدیده‌های پیچیده را تشخیص دهد. برای اینکه ما پدیده‌های پیچیده را بشناسیم از جمله کشاورزی، یکی از جنبه‌هایی که در کشاورزی مهم است رابطه پیچیده شهر و روستا است. جالب است در نظر شهر و روستا به دلیل اکوسیستم از هم تفکیک اداری دیگر ما نداریم.

اگر بخواهیم درباره باغ‌های ایران صحبت کنیم از کجا باید شروع کنیم، کجا تمام کنیم. وقتی می‌خواهیم درباره باغ‌های کن صحبت کنیم از البرز و سنگان شروع می‌کنیم یا دشت ورامین چرا این کار انجام می‌دهیم به خاطر اینکه یک نظام اکولوژیک وجود دارد به نام نظام همبسته کوهستانی بالا دست و پایین دست در تهران، و در تمام سرزمین گرم و خشک و کوهستانی ایران این نظام برقرار است. در همه جا در یزد هست، در کاشان هست و در مشهد هست، در اکثر شهرهای بزرگ ما در همچنین بستری قرار گرفته است. یعنی ما کوه داریم، دره داریم، دشت داریم و در انتها کویر را هم داریم. تمام اینها با همدیگر مربوط هستند. با هم ارتباط واقعی دارند. یعنی جریان آب، جریان هوا، آب کجا تبخیر می‌شود پایین دست تبخیر می‌شود و ماده از کجا می‌آید از بالادست که جریان بین اینها برقرار است.

اگر اینها را شناسیم راجعه باغ‌های تهران نمی‌توانیم راهکاری برای حفاظتشان ارائه دهیم. برای حفظ این باغ‌ها شما وقتی به طرح جامع تهران نگاه می‌کنید. تعریف باغ چیست؟ می‌گویند قطعه زمینی بالای ۵۰۰ متر که یک نگاه مهندسی وجود دارد که به شکل یک تکه زمین می‌بیند که یک ابعادی دارد و ما برای راهکاری هم که می‌توانیم بدهیم این است که برایش تراکم ساختمان تعریف کنیم. اصلاً ما چرا حرص باغ‌های تهران را می‌خوریم. چرا می‌گوییم باغ سیب کرج باید حفظ شود. خوب شهرداری کرج زحمت می‌کشد و پارک می‌سازد. پارک می‌سازد ۵ برابر باغ سیب. به دلیل اینکه می‌گوییم ارزش‌گذاری نشده است. وقتی ارزش‌گذاری می‌شود متوجه می‌شویم یک بخش‌هایی از سرزمین هست که از مجموع ارزش‌های آنها با بخش‌های دیگری از سرزمین یکی نیست. آنها ارزشمندتر است و لایق حفاظت است. یعنی ارزش‌گذاری زمین، ارزش‌گذاری منظر کشاورزی، ما به هر کجایی که کشاورزی می‌شود منظر کشاورزی سنتی نمی‌گوییم.

به عنوان مثال یک سری افراد در یک سرزمینی نسل در نسل جمع می‌شوند و آنها یک سری نیاز برای معیشت و برای بقایشان و برای حفظ خودش در آن محیط دارند چون باید زندگی کنند. آن محیط هم یک سری ویژگی‌های اقلیمی و فیزیکی دارد یک جا کوه هست یک جا سنگ، یک جا گرم هست و جای دیگر سرد می‌باشد. این آدم‌ها یک سری آرزوها و آرمان‌هایی دارند، که در مجموع اینها را کنار همدیگر می‌گذرانند با فناوری‌های دوران خودشان راهکار ارائه می‌کنند. بعضی از این سرزمین‌ها در گذر زمان دوام پیدا می‌کنند، یعنی ۲۰۰۰ سال بقا پیدا می‌کنند. یعنی انسان در کنار طبیعت در یک چرخه بسته توانست به زندگی ادامه دهد و نیازها را تا حدودی برطرف کند، معیشت، اقتصادش را تولید کرد و در اصل زندگی کرد و نسل در نسل در آنجا دوام آورد. به این مناظر، مناظر کشاورزی می‌گوییم. وقتی دوام پیدا می‌کند منظورش این است که در شالیزارهای که محصول خوبی داشته طوری از آب استفاده کردند که آن آب تمام نشده است. در حالی که ما می‌بینیم دریاچه‌ها دارند خشک می‌شوند و این گرد و غباری که همه کشور را دارد می‌پوشاند از کجا می‌آید. به هر حال یک جایی اتفاقی افتاده است. یعنی ما طوری در سرزمین کار کرده‌ایم که اینها عواقب آن است.

این هوای آلوده تهران از کجا می‌آید. بعضی‌ها اعتقاد دارند برای اینکه تهران هوای سالم داشته باشد باید این رودرها دوباره احیا شوند. مثل کن، تجریش و... البته یکی از روش‌ها این است. آن رویکردی که یونسکو دارد خیلی محدود می‌شود به لکه‌ها و سرزمین‌هایی که خیلی خارق‌العاده هستند. مناظر معمولی کمی در آنها نادیده گرفته شده است. مثال باغ‌های کن با معیار یونسکو میراث فرهنگی محسوب نشود. اما آن چیزی که آن منابع کشاورزی سنتی را پا برجا نگه داشته است. نظام مدیریت سرزمینی است همان چیزی که بعضی‌ها به عنوان فرهنگ از آن نام می‌برند.

حالا آن نظام مدیریتی سرزمین از کجا حاصل شده. نیاز به بقا، آن انسان سنتی باید غذایش را تامین کند. سوخت را بتواند تامین کند. بنابراین طوری این منابع را مصرف می‌کند که منابع باقی بماند. هر جا که این چرخه بسته وجود داشته آدم‌ها همین طوری این منابع را مصرف می‌کند که منابع باقی بماند. اما اگر به خاطر توسعه، به خاطر تحویل، این چرخه از بین برود. شهری شود، روستاها شهری شوند، نیازها فرق کند. انسان‌ها هم طوری دیگر برخورد می‌کنند. من معتقد هستم انسان محلی خودش را در یک کاندکس تاریخی نمی‌بیند.

وقتی این چرخه باز می‌شود مواد و انرژی از خارج می‌آیند. یعنی آن انسان سوختش را دیگر تامین نمی‌کند بلکه از اینجا تامین و خریدای می‌کند. غذا را از اینجا تامین می‌کند و غذایش را از سوپر مارکت خریداری می‌کند. می‌گوید اینقدر ما روستانشین داریم درحالی که ما اصلاً روستانشین دیگر نداریم. چون دیگر روستایی وجود ندارد اینها باقی مانده روستا هستند. تغییرات گریزناپذیر است. فقط با روش‌های جاری می‌شود همین مناظر خارق‌العاده یونسکو را با ظرف بودجه حفاظت کند.

اما وقتی از اینها بیرون می‌آییم و وارد مسائل روزه‌مره می‌شویم مثل باغ‌ها همان صحبت است که اگر به اقتصاد توجه نکنیم به فرآیند و تغییرات اقتصادی توجه نکنیم. نمی‌توانیم حرف از حفاظت بزنیم. اما وقتی از اینها بیرون می‌آییم و وارد مسائل روزه‌مره می‌شویم مثل باغ‌ها همان صحبت است که اگر به اقتصاد توجه نکنیم به فرآیند و تغییرات اقتصادی توجه نکنیم نمی‌توانیم حرف از حفاظت بزنیم. منظر یک ویژگی که دارد اینکه می‌گوید منظر پویا و دینامیک هست. ویژگی سکاسی دارد و ما این سکاسها را می‌توانیم کامل شناسایی کنیم. یعنی در هر نقطه از جهان ما دقیقاً می‌توانیم براساس موارد اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی سکاسها را جدا کنیم.

امروز سکاسی که در باغ‌های کن هست دیگر تولید درونش اهمیت ندارد و اصلاً چیزی به اسم تولید وجود ندارد. به خاطر اینکه عملکرد اقتصادی آن باغ از بین رفته است. فرآیندهای اکولوژیک هم به شدت منحل شده است چون آبی که از رودخانه می‌آید دیگر اهمیتی ندارد. در حالی که همه روستانشینان شهر دارند آب کن را استفاده می‌کنند.

زمانی ما می‌توانیم یک منظر را به شکل زنده حفاظت کنیم که در درجه اول قبول کنیم آن منظر باید وارد سکاس دیگری شود. باغ کن حفاظت شده و هر منظر کشاورزی حفاظت شده دیگری، دیگر آن منظر قبلی نیست، درونش تغییرات ایجاد شده است. حفاظت چطوری اتفاق می‌افتد و چرخه را باید حفظ کنیم. یعنی اگر ما تشخیص دهیم چرخه چگونه حفظ می‌شود. اینجا وارد ادبیات جدید می‌شویم. می‌گوید شما می‌خواهید طراحی کنید به ما فقط چراغ راه می‌دهد و آیا تأثیرش را برگردانیم جهانی حساب کرده‌اید آیا ردپای کربن را حساب کردید. آیا اقتصادش را حساب کردید. برای باغ کن اگر می‌خواهید طرح حفاظت بدهید هیچ فکر کردید آن آدم اقتصاد قبلی از بین رفته است. چه چیزی جایگزین دارد. فناوری از بین رفته چه جایگزینی برایش دارید. آیا مشارکتی هست. اما با این سرفصل‌ها طراحی محیطی و طراحی منظرها با همین سرفصل‌ها در دنیا اجرا می‌شود. یعنی محدود به هندسه، زیباشناسی و... می‌شود. کسی که طراحی می‌کند از یک سری مراتب را شروع می‌کند ابتدا استرلژیک می‌دهد بعد به طراحی‌ها می‌رسد. در طراحی هم همین اینها را باید ببینیم. همه آن چیزی که این منظر را خلق کرد همه اینها را باید یکی یکی بررسی کند. اگر توانست این کار را انجام دهد می‌توانیم امیدوار باشیم منظر کشاورزی و یا هر منظر فرهنگی دیگری در یک سکاس دیگری به حیات خودش ادامه دهد. ولی به یک شکل جدید سکاس آینده منظر فرهنگی اندیشیدن خواهد بود. یعنی انسان سنتی دیگر رقم نمی‌زند، به دلیل اینکه انسان سنتی همه چیزهایی را که به هم وصل می‌کرد خارج شده است. در عوض منظر فرهنگی را کارشناسان رقم خواهند زد.

نمونه‌هایی از منظر سنتی تقریباً در همه جا دنیا وجود دارد. در همه جا مردم زندگی داشتند و احتیاج به غذا و مسکن داشته و منابعشان محدود بوده بنابراین توانسته‌اند همچین سامانه‌هایی خلق کنند.